

Islamic Denominations

Vol. 10, No. 19, September 2023, 367-391

(DOI) 10.22034/JID.2023.260611.2120

A Comparative Study of Exegeses of Quranic Verses Concerning the Prevalence of Religion and Mahdism from Shiite and Ibadi Perspectives: A Case Study of Verses 32-33 of Surah al-Tawba and Verses 8-9 of Surah al-Saff

Zeinab al-Sadat Hosseini¹

Hojjat Alinejad²

(Received on: 2021-02-25; Accepted on: 2021-10-10)

Abstract

The interpretation of the Verses of *Izhār al-Dīn* (Prevalence of the Religion) has sparked extensive debates regarding the future global leadership and the concept of the "Promised al-Mahdī." These verses have been subject to interpretation by Quranic exegetes and scholars from different jurisprudential schools, resulting in a diverse range of approaches. This comparative study utilizes the descriptive-analytic method to delve into the exegeses of the Verses of "Izhār" as per Imami and Ibadi interpretations. The study also takes into account the hadiths from the Prophet and Imam 'Alī agreed upon by both sects. The objective is to analyze the implications of these verses, from both Imami and Ibadi perspectives, in relation to the end of history. The article concludes that the Ibadi concept of Mahdism, shaped by their distinctive understanding of the Imamate, does not adhere to, and in fact rejects, the notion of the Promised al-Mahdī and an apocalyptic savior. However, Imami exegetes emphasize the divine promise of the future appearance of Imam al-Mahdī. Taking into account the literal meaning of the word "al-izhār," as well as other intellectual and textual evidence, it is understood that the complete and widespread dominance of Islam over other religions will occur during the period of the "reappearance" (*zuhūr*) under the leadership of Imam al-Mahdī (a), who belongs to the Prophet's Household and possesses a special connection to the Quran. A rational interpretation of these verses is yielded by referencing hadiths from Shiite Imams.

Keywords: Prevalence of the religion, Mahdism, the Imami approach, the Ibadi approach.

1. Associate professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, University of Mazandaran, Iran (corresponding author). Email: z.hosseini@umz.ac.ir

2. PhD student, Quranic Sciences and Hadith, University of Mazandaran, Iran. Email: alinejad.hojjat@gmail.com

بررسی تطبیقی تفسیر آیات اظهار دین و مهدویت از منظر شیعه و اباضیه:

(مطالعه موردی آیات توبه: ۳۲-۳۳، صف: ۸-۹)

زینب‌السادات حسینی^۱

حجت‌علی نژاد^۲

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸]

چکیده

تفسیر و تحلیل آیات «اظهار دین» از پربحث‌ترین آیاتی است که در عرصه رهبری آینده عالم و اندیشه «مهدی موعود» مطرح است و نه تنها مفسران قرآن، که مذاهب فقهی نیز با رویکرد خاصی این آیات را تبیین نموده‌اند. از این رو پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تطبیقی تفسیر «آیات اظهار» بر اساس تفاسیر مفسران امامیه و اباضیه با تکیه بر احادیث مورد اتفاق نبوی و علوی می‌پردازد و دلالت آیات فوق را بر پایان تاریخ از دیدگاه دو گرایش امامیه و اباضیه بررسی می‌کند. این نوشتار نتیجه گرفته است که اندیشه مهدویت در اباضیه با توجه به نوع نگاه و تقسیم‌بندی خاص آنها از مسئله امامت، اعتقادی به مهدی موعود و منجی آخرالزمانی ندارند و تا مرحله انکار آن نیز پیش رفته‌اند؛ اما مفسران امامیه بر تعیین وعده خداوند به عصر ظهور تأکید دارند. با توجه به معنای لغوی واژه «اظهار» و دیگر دلایل عقلی-نقلی، غلبه نهایی و کامل و همه‌جانبه دین اسلام بر سایر ادیان غلبه جسمانی و منحصر به عصر ظهور، به دست حضرت مهدی (عج) از اهل بیت (ع) است که با قرآن پیوندی ویژه دارد. تفسیر آیات فوق با بهره‌گیری از احادیث معصومین (ع) منجر به تفسیری معقول می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اظهار دین، مهدویت، گرایش امامیه، گرایش اباضیه.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، ایران (نویسنده مسئول) z.hosseini@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، ایران alinegad.hojjat@gmail.com

۱. طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین آیات مورد استناد فریق اسلامی مبنی به سیطره دین اسلام و حکومت جهانی آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳، صف: ۹) است که در دو جای قرآن کریم با متن واحد آمده است و به آیات «اظهار دین» شهرت یافته است؛ اما در تفسیر آیات «اظهار دین» و به تبع آن مسئله مهدویت و موعودگرایی، بین مذاهب اسلامی اختلاف نظر عمیقی وجود دارد. مهم‌ترین دلیل اختلاف، گرایش مذهبی است؛ هر کدام از مذاهب اسلامی سعی کرده‌اند این آیات را موافق با مذهب خود تفسیر نمایند؛ اگرچه مفسران فریقین بر اصل تحقق اراده خداوند درباره سیطره دین اتفاق نظر دارند؛ اما درباره چگونگی اظهار دین حق بر دیگر ادیان و اینکه اظهار و سیطره به دست چه کسی انجام می‌پذیرد، اختلاف دارند.

فرقه اباضیه در بحث مهدویت منبع مستقلی ندارند و منابع آنان همان منابع اهل سنت است؛ اما با توجه به اعتقادات خاص شان درباره امامت و مهدویت، نظرات دقیقی درباره این موضوع طرح کرده‌اند. با توجه به مقبولیت احادیث نبوی (ص) میان تمامی فرق اسلامی به‌ویژه فرقه اباضیه، در این پژوهش تلاش شده است بر مبنای روایات پیامبر یا روایات در منابع هر دو گرایش تکیه شود. درباره بررسی تفسیری آیات «اظهار دین» در فرقه اباضیه پژوهش مستقلی تألیف نشده است، جز مقاله «مهدویت از منظر اباضیه» از محمد معینی فر و محسن جوادی صدری (۱۳۹۷) که به بررسی نشانه‌های آخرالزمان از نگاه اباضیه می‌پردازد؛ نیز مقاله «امامت و حکومت از نگاه اباضیه» از حمید ملک‌مکان (۱۳۸۴) که حکومت اسلامی از دیدگاه این فرقه را بررسی کرده است.

دو نوشتار پیش‌گفته اولاً خاستگاه قرآنی ندارند، بلکه بیشتر نگاه‌شان تاریخی و اعتقادی است. ثانیاً درباره اظهار و سیطره دین اسلام و حکومت جهانی از نگاه اباضیه، سخنی به میان نیاورده‌اند. همچنین پژوهشی در بررسی تطبیقی تفسیر آیات «اظهار دین» از منظر

دو گرایش اباضیه و امامیه تألیف نشده است. بنابراین این پژوهش بر آن است تا با بررسی مفاهیم «آیات اظهار» و با تکیه بر احادیث مورد اتفاق نبوی و علوی، به بررسی و نقد تطبیقی آیات «اظهار دین» و به تبع آن مسئله مهدویت و سیطره نهایی دین اسلام از منظر دو گرایش اباضیه و امامیه پردازد و دلالت «آیات اظهار دین» بر پایان تاریخ را بررسی کند.

۲. معنانشناسی واژگان اظهار، حکومت جهانی و دین

پیش از ورود به اصل بحث، لازم است مفهوم چند واژهٔ پرکاربرد این پژوهش روشن شود. اصل واژه اظهار از ریشه «ظهر» (یظهر، ظهورا)، به معنای پشت هر چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۵۴۰)، آشکار شدن بعد از مخفی بودن (الفیومی، [بی تا]: ج ۲، ص ۳۸۷) و نمایان شدن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۳۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۳۸۷) است. «اظهار» از باب افعال به معنای نمایان شدن و آشکار کردن به واسطه غلبه پیدا کردن است. این واژه در آیات مورد بحث به معنای غلبه پیدا کردن و پیروزشدن تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۴۰۵)؛ اما اینکه غلبه در چه زمانی اتفاق می افتد و چگونه خواهد بود، در قسمت تحلیل آیات روشن خواهد شد.

منظور از حکومت جهانی، پیروزی همه جانبه اسلام بر همهٔ ادیان جهان است؛ در حالی که این حکومت پرکننده زمین از عدالت است؛ یعنی اعتقاد به اینکه غلبه نهایی و سیطره کامل بر تمامی ادیان با دین اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۳۷۲). مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت دربارهٔ تحقق سیطره دین در پایان تاریخ با هم اختلافی ندارند. منظور از دین، اسلام است؛ همان آیینی که اصول و فروعش حق، تاریخ و مدارک و اسناد و نتیجه و برداشت آن نیز حق است؛ به عبارتی دیگر منظور از دین همان آیینی است که هم محتوای آن حق باشد هم دلایل و مدارک و تاریخ آن روشن باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۲۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۳۷۰).

۳. اباضیه و بحرآن هویت

مشهور این است که اباضیه منسوب به عبدالله بن اباض جزء فرقه خوارج است (طبری، [بی تا]: ج ۴، ص ۴۳۸؛ مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۵۶۷) که در جنگ صفین سال ۳۷ هجری در اثر ماجرای حکمیت میان امیرالمؤمنین علی (ع) و معاویه، گروهی از سپاه امیر مؤمنان (ع) جدا شدند و به خوارج مسمی گردیدند. افرادی چون دینوری (م ۲۸۲) در المعارف (دینوری، ۱۹۸۷: ص ۳۳۹)، طبری (م ۳۱۰) در تاریخ (طبری، [بی تا]: ج ۴، ص ۴۳۸)، ابن حزم (م ۴۵۶) در جمهرة انساب العرب (ابن حزم، ۱۹۹۸: ص ۲۱۸) و بلاذری (م ۸۹۲) در انساب الاشراف (بلاذری، ۱۹۳۹: ج ۲، ص ۱۵) بر خارجی بودن اباضیه تأکید می کنند و این فرقه را منسوب به عبدالله بن اباض دانسته اند؛ ولی رهبران اباضیان این نسبت را نمی پذیرند و به شدت نسبت خود به خوارج را نفی می کنند و می کوشند اباضیه را از شمار فرقه های خوارج خارج کنند (اطفیش، ۱۴۱۴: ص ۶) و مدعی اند آنان پیرو جابر بن زید ازدی تابعی اند (رک: جهلان، [بی تا]: ص ۳۴)؛ حتی از شهرت شان به «اباضیه» ناخرسند هستند و این نام را سیاسی و ظلم بر خود می دانند (ضیائی، ۱۳۹۰: ص ۶۸-۷۲). اباضیه گاه نام خود را «اهل استقامت» و «فرقه محقّة» نامیده اند. اینان مذهب خود را کهن ترین مذهب اسلامی، نزدیک ترین مذهب به عصر نبوت و با این وجود نزدیک ترین مذهب به روح اسلام می دانند (معمر، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۶۱) و اعتقاد دارند چون مذهب آنها حق است، بالاخره پیروز خواهند شد.

هرچند اباضیه منکر خوارج گری اند و از لحاظ فکری با هم اختلاف دارند (اطفیش، ۱۴۱۴: ص ۶)؛ ولی شباهت های اباضیه با خوارج به اندازه ای فراوان است که جدا کردن آنها از خوارج دشوار به نظر می رسد؛ تنها تفاوت آنان با خوارج در برخی اختلاف های سیاسی است که این اختلاف ها دلیل بر جدایی نمی گردد. جدایی خوارج از مسلمانان در آغاز امر سیاسی و تابع تحولات و شرایط سیاسی آن دوران بود و به تدریج به شکل مذهبی و

اعتقادی به خود گرفته است. اباضیه «کشته‌های جنگ نهروان را شهید می‌نامند و برخورد با حضرت علی (ع) را حق می‌دانند و مخالفت با امام و نقض بیعت را یک اصل منطقی و سیاسی می‌دانند» (اطفیش، ۱۴۱۴: ص ۱۴)؛ اما فرقه اباضیه که در حال حاضر وجود دارند، در اصول و قواعد و فروع فقهی خود تعدیل به وجود آوردند و زمینه نزدیکی با عقاید اسلامی را فراهم کردند، از تکفیر و نزاع دست برداشته‌اند (مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۸۷)، قتل مخالفین را روا نشمردند و نکاح با سایر مذاهب را تجویز نمودند و از نظر سیاسی نوعی مصالحه و مماشات را با حکام در پیش گرفتند (جهلان، [بی‌تا]: ص ۳۳). با این وجود می‌توان گفت گرایش فکری اباضیه در برابر گذشته دچار بحران یا انکار هویت شده است.

۴. منبع‌شناسی اباضیان

در باره منابع امامیه در زمینه اظهار دین و مهدویت می‌توان گفت احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) از همان اوایل عصر رسالت و بعد از آن در دوران ائمه معصومان (ع) بر اظهار دین و سیطره اسلام در عصر ظهور تأکید دارند که در جوامع حدیثی اولیه و مفسران امامیه (قمی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۲: ج ۵، ص ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳۸) وجود دارند؛ ولی درباره منابع گرایش اباضیه باید گفت هرچند دسترسی به منابع اباضیه سهل نیست؛ ولی کتاب بدء الاسلام اثر ابن سلام اباضی (م ۲۷۳ ق) از منابع قدیمی و کتاب الفرق بین الاباضیه والخوراج از شیخ ابواسحاق ابراهیم اطفیش (م ۱۳۳۲ ق) از منابع میانی آنان در اعتقادات به شمار می‌رود. از منابع مهم تفسیری اباضیان می‌توان آثار ذیل را نام برد:

۱. تفسیر الکتاب العزیز از هود بن محکم هُواری. او در اواخر قرن سوم می‌زیست و از اهالی جنوب طرابلس لیبی بوده است. این تفسیر به دلیل متأثر بودن از شرایط قرن

سوم تفسیر متأثر است؛ چون در این دوره تلاش در جمع‌آوری احادیث تفسیری و غیرتفسیری بدون نقد و بررسی است. این تفسیر هرگونه خبری را گرد آورده و از نقد و ارزیابی آنها خودداری کرده است (هواری، ۱۹۹۰: ج ۱، ص ۲۳۷).

۲. همیان الزاد تألیف ابواسحاق ابراهیم اطفیش که در آغاز جوانی نوشته است. او این تفسیر را به دلیل گسترده بودن در اواخر عمر خود برخی از مباحث آن را پالایش و مختصر نمود و به نام تیسیر التفسیر تألیف کرد. مفسر در این تفسیر به مباحث فقهی توجه ویژه‌ای دارد و ذیل آیات الاحکام، آرا و دیدگاه‌های فقهی مفسران را بیان می‌کند. در برخی از مسائل فقهی با فقه امامیه، همانند عدم جواز گفتن «آمین» پس از تلاوت سوره «حمد» هماهنگ می‌شود (اطفیش، ۱۹۱۴: ج ۱، ص ۱۵۹).

۳. جواهر التفسیر نوشته شیخ احمد بن حمد خلیلی، مفتی بزرگ کشور عمان. «این تفسیر حاصل تدریس او در مسجد جامع قابوس در شهر مسقط و تفسیری عصری و مطابق با ادبیات روزگار و دارای ویژگی‌های تفسیری عصر حاضر است» (الخلیلی، ۱۹۸۴: ج ۲، ص ۴۳).

۵. نگاهی بر مواضع سیاسی اباضیه

از آنجاکه اباضیه بقایای خوارج هستند و خوارج از سپاهیان امیرالمؤمنین (ع) بودند که در جنگ صفین از سپاه آن حضرت (ع) جدا شدند؛ این گروه نمی‌توانستند عثمانی یا خونخواه عثمان و همراه بنی‌امیه باشند؛ از این رو با امامیه نقطه مشترکی داشتند. موضع‌گیری اباضیه در برابر امیرالمؤمنین (ع)، با موضع خوارج متفاوت است؛ خوارج با کافردانستن حضرت زمینه شهادت ایشان را فراهم کردند؛ اما اباضیه موضع‌گیری تند خوارج را نمی‌پذیرند و در برابر معاویه و طلحه و زبیر و دیگرانی که با امام (ع) جنگیدند، موضع‌گیری می‌کنند؛ اما قایل به امامت امام نیز نیستند (اطفیش، [بی‌تا]: ص ۱۴؛ جهلان، [بی‌تا]: ص ۹۶).

اباضیه حرکت اهل جمل را محکوم می‌کنند؛ چنان‌که با بنی‌امیه و حکومت امویان به‌ویژه معاویه مخالف‌اند و حکومتش را حکومت جور می‌دانند (جهلان، [بی‌تا]: ص ۱۳۵). اباضیه بر اساس آموزه‌های مذهبی خود، مخالف حکومت بنی‌امیه بوده‌اند و در هر فرصتی این مخالفت را آشکار می‌کنند؛ برای مثال الخلیلی شعری را از حسان بن ثابت شاعر صحابی نقل می‌کند که در آن تعریضی به عثمان و مروانیان است که چگونه می‌شود با وجود فردی آگاه به قرآن و سنت مانند حضرت علی (ع)، با عثمان بیعت کرد (الخلیلی، ۱۹۸۴: ج ۱، ص ۴۴۹). با مطالعه منابع موجود به نظر می‌رسد اباضیه تندروی‌های خوارج را ندارند که به امیرالمؤمنین علی (ع) توهین کنند یا به آثار علمی و مبارزاتی حضرت بی‌مهری نشان دهند و روایات تفسیری حضرت را نقل نکنند؛ با این وجود آیات نازل شده درباره فضل و مقام امام (ع) نیز روایاتی را که ذیل آیات در مجامع اهل سنت آمده است، یا در تفاسیرشان نقل نمی‌کنند یا روایات را کوچک نشان می‌دهند و بی‌اهمیت از کنارشان می‌گذرند (الخلیلی، ۱۹۸۴: ج ۴، ص ۱۲۲).

۶. نگاهی بر مسئله امامت از منظر اباضیه

اگرچه اهل سنت امامت را از فروع دین می‌دانند (حنفی، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۶۶)؛ اما اباضیه همانند شیعه امامت را از اصول خویش می‌شمارند (جهلان، [بی‌تا]: ص ۱۳۵). آنان تعطیل حکومت را جایز نمی‌دانند و امامت را به نصّ و محدود به قریش نمی‌کنند (اطفیش، [بی‌تا]: ص ۱۰؛ حنفی، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۷۱)، بلکه مسئله بیعت را تنها راه انتخاب امام می‌دانند (حنفی، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۷۱). بنابراین انتخاب ابوبکر و عمر را تایید می‌کنند و می‌گویند در بیعت اجماع امت شرط نیست، بلکه اگر یک نفر هم بیعت کرد، کافی است (جهلان، [بی‌تا]: ص ۱۴۱). آنان قایل به عصمت پیامبرند؛ اما درباره امام تنها عدالت را شرط می‌دانند و عصمت را جز برای پیامبر (ص)، برای شخص دیگری

قایل نیستند (همان، ص ۱۸۰). مانند امامیه وجود امام را ضروری می دانند و از نظر آنها امام کسی است که جانشین پیامبر (ص) در تمامی امور دنیوی و اخروی مسلمانان باشد (همان، ص ۱۲۷). آنان امام را رهبر دین و دنیا، یعنی کسی که سلطه دینی و دنیوی را یکجا داراست می دانند (مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۸۷) و می گویند «امام رشته ای است که بین اختلاف کنندگان انس و الفت ایجاد می کند و آنانی را که پراکنده شده اند، جمع می نماید» (الحارثی، ۱۴۱۱: ص ۲)، متولی تمامی امور مسلمین است (معروف، ۱۴۰۶: ص ۲۰۶) و مرجعیت دینی و سیاسی را دارد (غباش، ۱۹۹۷: ص ۷۵)؛ بنابراین وی در تمام امور دینی، سیاسی و قانون گذاری حاکمیت می یابد تا بتواند با امور بر اساس شریعت اسلامی برخورد کند.

اباضیه قایل به وجوب امامت می باشند؛ امامت از منظر آنان حقی است واجب از جانب خداوند بر مسلمان برای برپایی عدالت (طالب هاشم، ۲۰۰۱: ص ۲۷۰). علت وجوب امامت را حجت خدا در زمین و وارث انبیای الهی می دانند که جانشین پیامبر بر مسلمانان است (کندی، ۱۴۰۶: ص ۶۷)؛ البته وجوب و نصب امام را مانند اهل سنت و بر خلاف شیعه بر عهده مردم می دانند نه از جانب خداوند (البارونی، ۱۴۳۴: ص ۷۶). اطفیش نیز امامت را واجب می داند؛ دلیل وی بر وجوب، فرمان خلیفه دوم به تشکیل شورای شش نفره برای خلافت است (اطفیش، [بی تا]: ص ۱۳۵). او معتقد است اگر امامت واجب نبود، چنین دستوری از جانب عمر جایز نبود (همان). از نظر اطفیش امام معصوم نیست؛ زیرا وقتی امام کافر شود، مسلمانان از لحاظ شرعی می توانند او را به قتل برسانند (همان)؛ بنابراین اباضیه هم سو با امامیه به وجوب امامت اعتقاد دارند و از کتاب، سنت، اجماع و عقل دلایلی را برای این وجوب بیان می کنند (البوسعیدی، ۱۴۰۵: ج ۶، ص ۳۴۴).

اباضیه معتقدند درباره انتخاب امام از سوی خداوند نصی در دست نیست؛ بنابراین امامت بر همان سیره خلفا و همچنین سیره بزرگان نخستین این فرقه از طریق «بیعت و

اختیار امت» است (حنفی، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۷۱)؛ از این رو آنان در هیچ دوره‌ای از وجود امام در جامعه خویش بی‌بهره نبوده‌اند (جهلان، [بی تا]: ۱۴۹). آنان دین را با توجه به شرایط مختلف موجود در جامعه اسلامی، در چهار مرحله تاریخی «مرحله دفاع»، «مرحله شراء»، «مرحله کتمان» و «مرحله ظهور» می‌دانند که از آن به مراحل یا انواع امامت نیز «مسالک دین» یا راه‌هایی که به اجرای احکام شرعی می‌انجامد، تعبیر می‌کنند (همان). در هر یک از این مراحل امامی در جامعه وجود دارد؛ اما امکان عدم وجود امام نیز وجود دارد. بنابراین اگرچه فرقه اباضیه با امامیه در چگونگی تعیین شخص امام اختلاف نظر دارد، از نظر نوع حکومت و زعامت امام در «مرحله کتمان» با امامیه وجه اشتراک دارند. از نظر اباضیه اگر شرایط حضور و ظهور امامت در جامعه مهیا نباشد و امام نتواند در جامعه آشکارا اعلام امامت نماید، می‌تواند «تقیّه» را در پیش بگیرد که این عمل اباضیه مانند «تقیّه» در امامیه است؛ مانند دوره ده‌ساله امامت امام حسین (ع) در زمان حکومت معاویه و امامت امام سجاد (ع) که در حالت تقیه به سر می‌بردند و مانند دوران امامان باقر و صادق (ع) که به نشر فرهنگ و بیان احکام شیعی پرداخته شد. خلاصه سخن اینکه اباضیه اصل امامت را برای جامعه اسلامی همانند امامیه از اصول خود می‌دانند؛ اما بر غیرمنصوص بودن امام و عدم عصمت ایشان تأکید دارند.

۷. تفسیر آیات اظهار دین در دیدگاه اباضیه

چنان‌که اشاره شد، در تفسیر و تحلیل آیه «اظهار دین» دیدگاه‌های مختلفی اعمال شده است؛ مفسر مشهور و متقدم اباضیه نیز درباره این‌که حکومت جهانی و غالب آمدن دین اسلام توسط چه کسی صورت می‌گیرد، با استناد به محتوای پاره‌ای از احادیث، حضرت عیسی (ع) را عامل ایجاد این حکومت می‌داند. روزی عیسی نزول می‌کند، پس او صلیب را می‌شکند و همه ادیان را یکی می‌کند و همه مردم را به اسلام دعوت می‌کند و همه ملل

غیر از اسلام از بین می‌رود تا اینکه امنیت در زمین فراگیر شود (هواری، ۱۹۹۰: ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۹). بیشتر مفسران اهل سنت نیز حاکمیت اسلام بر سایر ادیان در آخرالزمان را به دست حضرت عیسی می‌دانند (شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۴۰۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۳، ص ۷۹؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ج ۶، ص ۴۲۸). نکته قابل توجه این است که اباضیه (جیطالی، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۵۳) به تبع اهل سنت مسئله مهدویت و منجی آخرالزمانی و مباحث پیرامون آن را ذیل باب اشراط الساعة و فتن ذکر می‌کنند (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۶؛ حنفی، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۲۶۳-۲۶۷).

مفسر معاصر اباضیه در تفسیر آیه اظهار دو مرجع ضمیر برای جمله «يُظْهِرُهُ» احتمال می‌دهد: اول: ضمیر هاء در «يُظْهِرُهُ» به «دین» برمی‌گردد، به دلیل قرابت ضمیر به نزدیک‌ترین مرجعش و اظهار آن بر همه ادیان، حال یا به وسیله خذلان پیروان آن ادیان یا به وسیله نسخ سایر ادیان. دوم: مرجع ضمیر «هاء» کلمه رسول است که در این حالت «علی‌اهل‌الادیان» در تقدیر خواهد بود (اطفیش، ۱۹۱۴: ج ۵، ص ۴۴۹). به نظر او اظهار دین اسلام بر همه ادیان یا در زمان خود پیامبر (ص) یا بعد از ایشان یا هنگام نزول حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان است که این مورد آخر را به احادیثی منقول از ابوهریره و مقدار از پیامبر (ص) درباره نزول حضرت عیسی (ع) مستند می‌کند (همان). نکته قابل توجه این است که اطفیش نیز درباره اظهار دین در آخرالزمان به روایاتی استناد می‌کند که هود بن مُحَكَّم هُواری به همان روایات استناد کرده است (هواری، ۱۹۹۰: ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۹).

تعدادی از مفسرین اهل سنت نیز مرجع ضمیر «هاء» در «يُظْهِرُهُ» را بنا بر سیاق آیه رسول الله (ص) بیان می‌کنند؛ چون آیه درباره پیامبر (ص) صحبت می‌کند؛ بنابراین مصداق آیه شخص پیامبر اکرم (ص) است و اظهار دین در زمان ایشان (ص) انجام و به سرانجام رسیده است (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۴۰۶). ابن عاشور در تفسیرش چنین می‌نویسد: «ظهور اسلام بر همه ادیان، ظهوری جهانی و فراگیر بوده است» (ابن عاشور، [بی‌تا]: ج ۱۰، ص ۷۴).

۸. احادیث اهل سنت ذیل آیات اظهار دین و تفسیر آن به ظهور حضرت مهدی (ع)

در منابع روایی اهل سنت روایاتی از رسول خدا (ص) نقل شده است که ایشان در مواقع متعدد و متنوعی از فرزند گرامی خود مهدی موعود (عج) که احیاکننده شریعت ایشان و پرکننده زمین از عدل و داد است، سخن به میان آورده است؛ از جمله:

۱. «شمارابه [ظهور] مهدی بشارت می‌دهم... زمانی که اختلاف‌ها، سختی‌ها و دل‌نگرانی‌ها مسلمانان را دربرگیرد، قیام می‌کند و زمین را که پر از ظلم و ستم گشته است، آکنده از عدل و داد می‌کند. ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود می‌گردند...» (ابن حنبل، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۳۷؛ سیوطی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۱۲۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ص ۲۶۲).
۲. «اگر از [عمر] دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را طولانی گرداند تا مردی از فرزندانم را برانگیزد [برای زنده کردن اسلام و اصلاح اجتماعات بشری] که هم نام من است» (ابوداود، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۵۰۹؛ ترمذی، ۱۳۹۸: ج ۴، ص ۳۴).
۳. «چگونه آید، آن‌گاه که عیسی در میان‌تان فرود آید و امام‌تان از خودتان باشد» (بخاری، ۱۳۸۹: ذیل کتاب احادیث الانبیاء، باب نزول عیسی بن مریم، ص ۱۴۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۵: ج ۶، ص ۴۹۴).

۹. نگاهی بر تفسیر آیات اظهار دین از منظر امامیه و اباضیه

بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت و به تبع آن مفسران اباضیه که تفسیرشان صبغه روایی دارد، ذیل تفسیر آیات «اظهار دین» بر این عقیده‌اند که غلبه نهایی و سیطره کامل دین اسلام بر سایر ادیان، منحصر در عصر ظهور و پایان تاریخ است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۴۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۷۷۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۹۲؛ شبر، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۰۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۴، ص ۲۶۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۱۲۰). البته همان‌طور که بیان شد، نظر غالب اباضیه و اهل سنت بر این است که این غلبه به دست حضرت عیسی (ع) انجام می‌گیرد

بررسی تطبیقی تفسیر آیات اظهار دین و مهدویت از منظر شیعه و اباضیه: (مطالعه موردی آیات توبه: ۳۲-۳۳، صف: ۸-۹) ۳۷۹/

(بارونی، ۱۴۳۴: ص ۳۱۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۵۴). به نظر آنان مهدی موعود اشاره شده در روایات همان حضرت عیسی است که با نزولش فقط یک دین را عرضه می‌کند و همه را به اسلام دعوت می‌کند تا اینکه امنیت در زمین فراگیر شود (هواری، ۱۹۹۰: ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۹).

۹-۱. احادیث امامیه ذیل آیات اظهار دین و تفسیر آن به ظهور حضرت مهدی (ع)

احادیث پیرامون حضرت مهدی (عج) در ابعاد مختلفی از وجود مبارک ایشان تا ظهور و حرکت در دست است؛ وجود روایات پیرامون حضرت مهدی (عج) میان کلمات پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز دلیل دیگری بر وجود این عقیده در عقاید اسلامی و پاسخی برای منکرین آن و مدعیان نوظهور بودن یا حتی این عقیده در برابر صدر اسلام است. از منابع احادیث شیعه کتبی مانند کتاب فصول العشرة فی الغیبة شیخ مفید و کتاب المقنع سید مرتضی علم الهدی به این احادیث پرداخته‌اند. عیاشی در حدیثی از حضرت علی (ع) سیطره دین اسلام را به عصر ظهور اختصاص می‌دهد (عیاشی، [بی تا]: ج ۳، ص ۱۵۸)؛ طبرسی نیز در حدیثی از حضرت علی (ع) سیطره دین اسلام بر همه ادیان را به دست امام زمان (عج) می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۸۲). حدیثی دیگر شبیه همین مضمون را شیخ صدوق از امام حسین (ع) نقل می‌کند (صدوق، [بی تا]: ج ۱، ص ۳۱۲). بیشتر مفسران شیعه حضرت ولی عصر (عج) را تأویل و مصداق واقعی آیات اظهار دین می‌دانند (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۶۷۰؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۲۵؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۸۹).

۱۰. بحث و بررسی

همه فرق اسلامی درباره اصل موعودگرایی و غلبه دین اسلام بر همه ادیان باهم اختلافی ندارند و بنا بر آیه شریفه «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَانِ عَبْدًا» (مریم: ۹۳) موعود از الوهیت برخوردار نیست و ایشان نیز بنده‌ای از بندگان خداوند است. همچنین با توجه به

آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) بی‌شک حکومت مهدی (عج) که طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت سراسر روی زمین را پراز عدل و داد می‌کند، بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد، مصداق کامل این آیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۵۲۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۱، ص ۲۱۷) و بنا بر روایات شیعه ذیل آیات «اظهار دین» این نتیجه حاصل می‌شود که مقصود از «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان (ع) است که آیه به آنها بشارت می‌دهد هنگام قیام مهدی (عج) مسلمانان در زمین خلیفه و متصرف می‌شوند و در شهرها متمکن می‌گردند و خوف از آنها مرتفع گردد (امین، ۱۳۶۱: ج ۹، ص ۱۴۵). روایات امامیه (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۴۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۷۷۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۹۲) و اباضیه (البارونی، ۱۴۳۴: ص ۳۱۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۵۴؛ هواری، ۱۹۹۰: ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۹) در اصل تحقق سیطره دین در عصر «ظهور» تا حدودی همسوست و هر دو گرایش محتوای روایات را به قبول برداشت کرده‌اند. مفاد روایات به ویژه روایات شیعی دلالت بر اختصاص این وعده به عصر ظهور دارد؛ ولی اباضیه در دو مورد با امامیه اختلاف نظر دارند؛

اول: آنها در چگونگی اظهار دین با توجه به آنچه اشاره شد، نظر قاطع و یکسانی نداده‌اند که آیا منظور از اظهار دین در آیات شریفه، پیروزی و غلبه جسمانی است یا غلبه به معنای حجت و برهان است؟ اطفیش در تفسیر خود هیچ اشاره‌ای به این نکته نمی‌کند و تنها می‌نویسد اظهار دین یا به وسیله خذلان پیروان آن ادیان است یا به وسیله نسخ ادیان (اطفیش، ۱۹۱۴: ج ۵، ص ۴۴۹).

دوم: به نظر اباضیه و با توجه به آنچه اشاره شد، غلبه در عصر ظهور توسط حضرت عیسی (ع) انجام می‌پذیرد؛ البته اطفیش در این باره نیز نظری قطعی بیان نکرده است. به نظر او اظهار دین اسلام بر همه ادیان یا در زمان خود پیامبر (ص) یا بعد از ایشان یا هنگام

نزول حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان است (اطفیش، ۱۹۱۴: ج ۵، ص ۴۴۹). این دیدگاه به نوعی اشاره به مراحل چهارگانه دین از منظر اباضیه را می‌رساند؛ بنابراین می‌توان گفت اباضیه معتقدند اظهار دین به گونه تمام و کمال در زمان خود پیامبر اکرم (ص) نیز انجام گرفته است (جهلان، [بی تا]: ص ۱۲۷). افزون به اینکه اباضیه آن دسته از روایات معروف به اثناعشر یا اثناامیر را که در صحیح بخاری و صحیح مسلم آمده است، روایاتی پر از تنش می‌دانند که برای آنها ثابت نشده است چنین روایاتی از رسول خدا (ص) صادر شده باشد (جمعی از نویسندگان، ۲۰۱۲: ج ۲، ص ۸۸۹).

به هر حال با تکیه بر احادیث مورد اتفاق نبوی و علوی نزد شیعه و اهل سنت، این مسئله ثابت شد که نزول حضرت عیسی (ع) و اقتدای به حضرت مهدی (عج) در نماز با توجه به بعضی روایات اهل سنت (ابوداود، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۵۰۹؛ ترمذی، ۱۳۹۸: ج ۴، ص ۳۴؛ ابن حنبل، [بی تا]: ج ۳، ص ۳۷) امری قطعی بین اهل سنت است و تأییدی بر این مطلب که مقام امامت حضرت مهدی (عج) از مقام نبوت حضرت عیسی (ع) برتر است (معارف و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۳۵)؛ با آنکه حضرت عیسی (ع) پیامبر اولوالعزم است. ابن حجر عسقلانی نیز اقتدای حضرت عیسی (ع) به امام عصر حضرت مهدی (عج) را پذیرفته است (عسقلانی، ۱۴۰۵: ج ۶، ص ۴۹۴).

البته می‌توان میان احادیثی که اظهار دین را توسط حضرت مسیح می‌داند و احادیثی که معتقد به اظهار دین توسط مهدی موعود است، این گونه تفاهم برقرار کرد که حضرت عیسی (ع) همکار و یاور حضرت مهدی موعود (ع) خواهد بود؛ چنان که اباضیه با اینکه اظهار دین را به وسیله حضرت مسیح (ع) می‌دانند، در معنای غلبه از نظر زمانی - در یکی از نظریاتش - با امامیه هماهنگ است. در معنای اظهار دین اسلام در عصر ظهور نیز باید گفت گرچه غلبه با برهان و حجت فی نفسه صحیح می‌باشد؛ چون دین اسلام مبتنی بر حق و حقیقت است و پایه‌های اصلی آن بر برهان عقلی و فطرت الهی آدمیان پی نهاده

شده است، باید گفت افزون بر آن غلبه جسمانی و قدرت ظاهری نیز انجام می‌پذیرد. چنان‌که به نظر طبرسی نیز این دو غلبه در عصر ظهور با هم خواهند بود؛ او می‌گوید «منظور از "لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ" یعنی تادین اسلام را به وسیله حجت و غلبه بر تمام ادیان پیروز گرداند، بدان سان که در روی زمین دینی به جای نماند جز آنکه مغلوب حجت اسلام گردد و کسی نباشد که در حجت و برهان بر مسلمانان پیروز گردد و اما از نظر غلبه ظاهری نیز چنان شد که هر دسته از مسلمانان بر ناحیه‌ای از نواحی مشرکان پیروز شدند، کفار به نوعی مقهور آنان گشتند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳۸).

شیوه اظهار دین حق بر دیگر ادیان در عصر ظهور هم به گونه حجت و برهان هم به گونه قهر و غلبه خواهد بود؛ بعضی از مفسران ذیل تفسیر آیه «اظهار دین» همین نظر را پذیرفته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۳۲۹). در این باره دلایل و قرائن عقلی نیز مفاد آیات «اظهار دین» را که به طور مطلق بیان شده‌اند محدود نکرده است و انجام دو غلبه با هم را می‌پذیرد؛ زیرا اولاً آنچه موجب ناخرسندی و کراهت کافران و مشرکان می‌شود که در آیات «اظهار دین» به آن اشاره شده است، تنها غلبه استدلالی نیست، بلکه گسترش اسلام در همه جوامع و بر همه ادیان است که سقوط آن ادیان باطل را در پی دارد. ثانیاً: بررسی موارد استعمال ماده «اظهار» (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ...) در آیات قرآن نشان می‌دهد این ماده بیشتر به معنای غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است؛ مانند آیات «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ: (کهف: ۲۰) اگر آنها [دقیانوس و سپاهیان] بر شما غالب شوند، سنگسارتان می‌کنند». نیز «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَاذِمَّةً»: (توبه: ۸) هرگاه آنها بر شما چیره شوند، نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می‌کنند و نه عهد و پیمان را». غلبه در این گونه موارد تنها غلبه منطقی نیست، بلکه غلبه عملی و عینی نیز می‌باشد.

سیاق این آیات نیز با پیروزی و غلبه همه جانبه موافق است؛ زیرا مفهوم آیه از هر نظر مطلق است و دلیلی وجود ندارد که معنای آیه را محدود به دوره‌ای خاص کنیم. بنابراین بر اساس

تفسیر آیات اظهار می‌توان گفت اسلام هم از نظر منطق استدلال هم از نظر نفوذ ظاهری بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه رازیر سیطره خود قرار خواهد داد؛ اگر هم مصداق آیه در عصر رسالت به طور کامل تحقق یافت و اسلام بر تمام ادیان آن دیار پیروز شد، سیطره نسبی به معنای پایان وعده حق تعالی در آیه نیست؛ چنان‌که بیشتر مفسران شیعه غلبه و اظهار در آیات شریفه «اظهار دین» را غلبه جسمانی می‌دانند. سبزواری نجفی در تفسیرش درباره «عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً» می‌نویسد: «علی جمیع الأديان بالغلبة و القهر لها» (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۳۳۲). مکارم شیرازی در جواب این سؤال که غلبه نهایی اسلام بر سایر ادیان غلبه منطق و استدلال است یا غلبه با قدرت جسمانی، با استفاده از سیاق آیه نتیجه می‌گیرد که بررسی موارد استعمال ماده «اظهار» (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ...) در آیات قرآن نشان می‌دهد که این ماده بیشتر به معنای غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۳۷۱). پس گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است؛ آیه اظهار دین غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۵، ص ۵۱). فخر رازی نیز همین نظر را پذیرفته است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۶، ص ۳۳). بنابراین این وجه که منظور آیه تنها غلبه با برهان بدون غلبه ظاهری باشد، ضعیف به نظر می‌رسد.

بنابراین از نظر امامیه و برخی مفسران اهل سنت، غلبه و اظهار در آیات شریفه «اظهار دین» منحصر به عصر ظهور است و غلبه دین اسلام بر سایر ادیان غلبه با برهان و استدلال نیز غلبه جسمانی است و این هیچ مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصاری در پناه حکومت حضرت مهدی (عج) با شرایط اهل ذمه وجود داشته باشند؛ زیرا می‌دانیم حضرت مهدی (عج) مردم را از روی اجبار به اسلام نمی‌کشاند، بلکه با منطق پیش می‌رود و توسل او به قدرت و نیروی نظامی برای بسط عدالت و برانداختن حکومت‌های ظلم و قراردادن جهان زیر پرچم عدالت اسلام است، نه برای اجبار به پذیرفتن این آیین، وگرنه آزادی و اختیار مفهومی نخواهد داشت.

نتیجه

اگرچه روایات امامیه و بنا بر یک قول از اباضیه در اصل تحقق سیطره دین در عصر «ظهور» تا حدودی همسوست و هر دو گرایش محتوای روایات را تلقی به قبول کرده‌اند؛ اما در گرایش اباضیه دربارهٔ کمیت و کیفیت سیطره، دیدگاه قاطع و یکسانی وجود ندارد. در دیدگاه آنان مشخص نشده است آیا سیطره دین به وسیله پیروزی و غلبه جسمانی است یا غلبه به معنای حجت و برهان؛ همچنین به نظر آنان غلبه در عصر ظهور توسط حضرت عیسی (ع) انجام می‌پذیرد؛ اما بر اساس آموزه‌های روایی شیعه، مهدی موعود انسانی است شخصی نه نوعی نیز دارای فضایل و مناقبی ویژه خود است. افزون بر اینکه منجی از اهل بیت (ع) است و با قرآن پیوندی ویژه دارد و دارای مقاماتی چون عصمت و امامت است. بر اساس تفسیر آیات «اظهار دین» و روایات نبوی (ص)، اسلام در آخرالزمان بر سایر ادیان غلبه خواهد کرد. اسلام هم از نظر منطق و استدلال هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را به فرمان خود درخواهد آورد. خداوند در آیات «اظهار دین» بشارت به غلبه داده است؛ درحالی‌که غلبه محتوایی در زمان نزول محقق بود و نیاز به بشارت نداشت. آنچه نیاز به بشارت دارد، غلبه جسمانی به قهر و استیلاست و مفاد روایات به ویژه روایات شیعی دلالت بر اختصاص این وعده به عصر ظهور دارد.



کتاب‌نامه:

- قرآن کریم (۱۳۷۳)؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی؛ قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۹۹۸ م)؛ جمهرة انساب العرب؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حنبل، احمد [بی تا]؛ المسند؛ بیروت: دار صادر.
- — (۱۴۱۶ ق)؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ محقق: احمد شاکر؛ قاهره: دار الحدیث.

- ابن داود، سلیمان بن اشعث سجستانی (۱۴۰۹ ق)؛ سنن ابن داود؛ بیروت: دار الجنان.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر [بی تا]؛ التحرير والتنوير؛ [بی جا]: [بی نام].
- اطفیش، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ ق)؛ الفرق بین الاباضیة و الخوارج؛ چ چهارم، عمان: مكتبة الضامری للنشر و التوزيع.
- _____ (۱۹۱۴ م)؛ تیسیر التفسیر؛ تحقیق: ابراهیم بن محمد طلالی؛ [بی جا]: [بی نا].
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱)؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن؛ تهران: نهضت زنان مسلمان.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)؛ البحر المحيط فی التفسیر؛ بیروت: دار الفکر.
- بارونی، ابی ربیع السلیمان (۱۴۳۴ ق)؛ مختصر تاریخ الاباضیة؛ عمان: مكتبة الضامری.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق)؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۹ ش)؛ الجامع الصحیح؛ تربت جام: انتشارات احمد جام.
- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (۱۴۰۴ ق)؛ لباب التاویل فی معانی التنزیل؛ [بی جا]: [بی نا].
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۳۹ م)؛ انساب الاشراف؛ تحقیق: محمود فردوس العظم؛ دمشق: دار الیقظة العربیة.
- بوسعیدی، خلفان بن محمد (۱۴۰۵ ق)؛ لباب الآثار الواردة علی الاولین و المتأخرین الاخیاز؛ عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۸ ق)؛ الجامع الصحیح؛ بیروت: دار الفکر.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۳ ش)؛ خوارج در تاریخ؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴)؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان [بی تا]؛ مصطلحات الاباضیة؛ مسقط: وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیة.
- جهلان، عدون [بی تا]؛ الفکر السیاسی عند الاباضیة؛ عمان: مكتبة الضامری.
- جیطالی، اسماعیل بن موسی (۱۴۲۲ ق)؛ قناطر الخیرات؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حارثی، مالک بن سلطان (۱۴۱۱ ق)؛ نظریة الامامة عند الاباضیة؛ مسقط: جامعة الاردنیة.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴ ق)؛ تقریب القرآن الی الازهان؛ بیروت: دار العلوم.

- حنفی، حسن (١٩٨٨ م)؛ من العقیده الی الثورة؛ بیروت: دارالتنوير، المركز الثقافی العربی.
- خلیلی، بدرالدین احمد بن حمد (١٩٨٤ م)؛ جواهر التفسیر؛ عمان: مكتبة الاستقامة.
- _____ (١٤٠٩ ق)؛ الحق الدامع؛ عمان: [بی نا].
- دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبہ (١٩٨٧ م)؛ المعارف؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دار العلم دار الشامیة.
- سبزواری نجفی. محمد بن حبیب الله (١٤٠٦ ق)؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سیوطی، عبدالرحمان (١٤٠٨ ق)؛ الحاوی للفتاوی؛ بیروت: دار الفکر.
- شبر، سیدعبدالله (١٤١٢ ق)؛ تفسیر القرآن الکریم؛ بیروت: دار البلاغة للطباعة والنشر.
- شوکانی، محمد بن علی (١٤١٤ ق)؛ فتح القدیر؛ بیروت: دار ابن کثیر.
- صادقی تهرانی، محمد (١٤١٩ ق)؛ البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ قم: مؤلف.
- صدوق، محمد بن علی [بی تا]؛ عیون اخبار الرضا؛ قم: مكتبة المصطفوی.
- صدوق، محمد بن علی (١٤٠٥ ق)؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری؛ قم: جامعه مدرسین.
- ضیائی، علی اکبر (١٣٩٠ ش)؛ تاریخ و اعتقادات اباضیه؛ قم: ادیان.
- طالب هاشم، مهدی (٢٠٠١ م)؛ الحركة الاباضیة فی مشرق العربی؛ لندن: دار الحکمة.
- طبرسی، فضل بن حسن (١٣٧٢ ش)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- _____ (١٤١٧ ق)؛ اعلام الوری بأعلام الهدی؛ قم: تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
- طبری، محمد بن جریر [بی تا]؛ تاریخ طبری؛ بیروت: انتشارات اعلمی.
- طریحی، فخرالدین (١٣٧٥ ش)؛ مجمع البحرین؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٢ ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسقلانی، ابن حجر (١٤٠٥ ق)؛ فتح الباری؛ بیروت: دار المعرفة.
- عیاشی، محمد بن مسعود [بی تا]؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: المكتبة الاسلامیة.

بررسی تطبیقی تفسیر آیات اظهار دین و مهدویت از منظر شیعه و اباضیه: (مطالعه موردی آیات توبه: ۳۲-۳۳، صف: ۸-۹) / ۲۸۷

- غباش، حسین بن عبید غانم (۱۹۹۷ م)؛ عمان الديمقراطية الإسلامية والتاريخ السياسي الحديث؛ بیروت: دار الجدید.
- غنوی، سعید بن مبروک (۱۴۱۸ ق)؛ السیف الحاد علی من اخذ بحديث الأحاد فی مسائل الاعتقاد؛ عمان: مكتبة الضامری.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)؛ مفاتيح الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)؛ کتاب العین؛ قم: انتشارات هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ ق)؛ الاصفی فی تفسیر القرآن؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیومی، احمد بن محمد [بی تا]؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير؛ تحقیق: عبد العظیم الشناوی؛ قاهره: دار المعارف.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)؛ تفسیر القمی؛ تحقیق: سید طیب موسوی جزائری؛ قم: [بی نا].
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ ش)؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- کندی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۶ ق)؛ کتاب الاهتداء؛ تحقیق: اسماعیل کاشف؛ عمان: وزارة التراث القومي والثقافة.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۵ ق)؛ کنز العمال؛ بیروت: مؤسسة الرسالة.
- معارف، مجید و فرشاد منائی (۱۳۹۴ ش)؛ «بررسی سندی - فقه الحدیثی روایت "لا مهدی الا عیسی بن مریم" در منابع روایی اهل سنت»؛ فصلنامه مطالعات فهم حدیث، سال دوم، ش اول.
- معروف، نایف محمود (۱۴۰۶ ق)؛ الخوارج فی العصر الامویة؛ بیروت: دار الطلیة.
- معمر، علی بن یحیی (۱۴۲۱ ق)؛ الاباضیه بین الفرق الاسلامیة؛ عمان: وزارة التراث القومي والثقافة.
- معینی فر، محمد و محسن جوادی صدری (۱۳۹۷ ش)؛ «اندیشه مهدویت از منظر اباضیه»؛ فصلنامه مشرق موعود، سال دوازدهم، ش اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة.

- ملاحویش، عبدالقادر (۱۴۰۵ ق)؛ بیان المعانی؛ دمشق: النشر الاسلامی.
- — (۱۳۸۲ ق)؛ بیان المعانی؛ دمشق: مطبعة الترقی.
- ملک مکان، حمید (۱۳۸۴ ش)؛ «امامت و حکومت از نگاه اباضیه»؛ دوفصلنامه هفت آسمان، ش ۲۶.
- هواری، هود بن مُحَكَّم (۱۹۹۰ م)؛ تفسیر کتاب اللّٰه العزیز؛ بیروت: دار الغرب الاسلامیة.

References

- The Quran. 1373 Sh. Translated into Persian by Nasser Makarem Shirazi. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Amīn, Sayyida Nuşrat. 1361 Sh. *Makhzan al-irfān dar tafsīr Qur'an*. Tehran: Muslim Women Movement.
- Andulusī, Abū Ḥayyān Muḥammad b. Yūsuf, al-. 1420 AH. *Al-Baḥr al-muḥīṭ fī l-tafsīr*. Beirut: Dar al-Fikr.
- 'Asqalānī, Ibn al-Ḥajar, al-. 1405 AH. *Fath al-bārī*. Beirut: Dar al-Ma'rifa.
- Aṭṭafayyash, Muḥammad b. Yūsuf. 1414 AH. *Al-Farq bayn al-Ibāḍiyya wa-l-khawārij*. Oman: Maktabat al-Damiri li-l-Nashr wa-l-Tawzi'.
- Aṭṭafayyash, Muḥammad b. Yūsuf. 1914. *Taysīr al-tafsīr*. Edited by Ibrahim b. Muhammad Talay. N.p.
- 'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd, al-. n.d. *Tafsīr al-'Ayyāshī*. Tehran: al-Maktabat al-Islamiyya.
- Baghdādī, 'Alā' al-Dīn 'Alī b. Muḥammad, al-. 1404 AH. *Lubāb al-tawīl fī ma'ānī l-tanzīl*. N.p.
- Baḥrānī, Sayyid Hāshim, al-. 1416 AH. *Al-Burhān fī tafsīr al-Qur'an*. Tehran: Be'sat Foundation.
- Balādhurī, Aḥmad b. Yaḥyā, al-. 1939. *Ansāb al-ashraf*. Edited by Mahmud Firdaws al-Azam. Damascus: Dar al-Yaqza al-'Arabiyya.
- Bārūnī, Abū Rabī' al-Sulaymān, al-. 1434 AH. *Mukhtaṣar tārikh al-Ibāḍiyya*. Oman: Maktabat al-Damiri.
- Bukhārī, Muḥammad b. Ismā'īl, al-. 1389 Sh. *Al-Jāmi' al-ṣaḥīḥ*. Torbat Jam: Ahmad Jam Publications.

- Būsa 'idī, Khalfān b. Muḥammad. 1405 AH. *Lubāb al-āthār al-wārida 'alā l-awwalīn wa-l-mutāakkhirīn al-akhyār*. Oman: Ministry of National Heritage and Culture.
- Dīnawarī, 'Abd Allāh b. Muslim b. Qutayba, al-. 1987. *Al-Ma'ārif*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Fakhr al-Dīn al-Rāzī, Muḥammad b. 'Umar. 1420 AH. *Mafātīḥ al-ghayb*. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-'Arabi.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad, al. 1410 AH. *Kitāb al-'ayn*. Qom: Hejrat Publications.
- Fayḍ al-Kāshānī, Mullā Muḥsin, al-. 1418 AH. *Al-Aṣfā fī tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Publication Center of the Islamic Propagation Office.
- Fayyūmī, Aḥmad b. Muḥammad. n.d. *Al-Miṣbāḥ al-munīr fī gharīb al-sharḥ al-kabūr*. Edited by 'Abd al-'Azim al-Shinawī. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Ghabbsh, Hussein bin Ubaid al-Ghanem. 1997. *'Ummān al-dimuqrāṭiyya al-Islāmiyya wa-l-tārīkh al-siyāsī al-ḥadīth*. Beirut: Dar al-Jadid.
- Ghanawī, Sa'id b. Mabruk. 1418 AH. *Al-Sayf al-ḥādd 'alā man akhadh bi-ḥadīth al-āḥād fī masā'il al-i'tiqād*. Oman: Maktabat al-Damiri.
- Group of authors. 1374 Sh. *Dā'irat al-ma'ārif buzurg Islāmī*. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Group of authors. n.d. *Muṣṭalahāt al-Ibāḍiyya*. Muscat: Ministry of Endowments and Religious Affairs.
- Ḥanafī, al-Ḥasan, al-. 1988. *Min al-'aqīda ilā l-thawra*. Beirut: Dar al-Tanwir, al-Markaz al-Thiqaqī al-'Arabi.
- Hawārī, Hūd b. Muḥakkam. 1990. *Tafsīr kitāb Allāh al-'azīz*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islamiyya.
- Hosseini Shirazi, Sayyed Mohammad. 1424 AH. *Taqrīb al-Qur'ān ilā l-adhhān*. Beirut: Dar al-'Ulum.
- Ibn al-'Āshūr, Muḥammad b. Ṭāhir. n.d. *Al-Taḥrīr wa-l-tanwīr*. N.p.
- Ibn al-Ḥazm, 'Alī b. Aḥmad. 1998. *Jumhura ansāb al-'Arab*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Ibn Dāwūd, Sulaymān b. al-Ash'ath al-Sijistānī. 1409 AH. *Sunan Ibn Dāwūd*. Beirut: Dar al-Jinan.
- Ibn Ḥanbal, Aḥmad. 1416 AH. *Musnad al-Imām Aḥmad b. Ḥanbal*. Edited by Ahmad Shakir. Cairo: Dar al-Hadith.

- Ibn Ḥanbal, Aḥmad. n.d. *Al-Musnad*. Beirut: Dar Sadir.
- Jafari, Yaghoub. 1373 Sh. *Khawārij dar tārikh*. Tehran: Daftar Nashr Farhang Islami.
- Jahlān, ‘Addūn. n.d. *Al-Fikr al-siyāsī ‘ind al-Ibāḍiyya*. Oman: Maktabat al-Damiri.
- Jayṭālī, Mālik b. Sulṭān. 1411 AH. *Naẓariyyat al-Imāma ‘ind al-Ibāḍiyya*. Muscat: Jami‘a al-Urduniyya.
- Kāshānī, Mullā Fath Allāh, al-. 1336 Sh. *Tafsīr manhaj al-ṣādiqīn fī ilzām al-mukhālifīn*. Tehran: Muhammad Hasan Elmi Bookstore.
- Khalīlī, Badr al-Dīn Aḥmad b. Ḥamad, al-. 1409 AH. *Al-Ḥaqq al-dāmigh*. Oman: n.p.
- Khalīlī, Badr al-Dīn Aḥmad b. Ḥamad, al-. 1984. *Jawāhir al-tafsīr*. Oman: Maktabat al-Istiqaama.
- Kindī, Aḥmad b. ‘Abd Allāh, al-. 1406 AH. *Kitāb al-ihidā’*. Edited by Isma‘il Kashif. Oman: Ministry of National Heritage and Culture.
- Maaref, Majid and Farshad Menaei. 1394 Sh. “Barrasī sanadī fiqh al-ḥadīthī riwāyat ‘Iā Mahdī illā ‘Īsā b. Maryam’ dar manābi‘ riwāyī ahl sunnat.” *Muṭālī‘āt fahm ḥadīth* 2, no. 1: 27-47.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1374 Sh. *Tafsīr nimūna*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Malek Makan, Hamid. 1384 Sh. “Imāmat wa ḥukūmat az nigāh Ibāḍiyya.” *Haft āsimān* 7, no. 26 (summer): 197-234.
- Marouf, Nayif Mahmoud. 1406 AH. *Al-Khawārij fī l-‘aṣr al-Umawiyya*. Beirut: Dar al-Taliyya.
- Moeinifar, Mohammad and Mohsen Javādī Sadri. 1397 Sh. “Andīshi Mahdawiyyat az manẓar Ibāḍiyya.” *Mashriq maw‘ūd* 12, no. 1 (spring): 247-67.
- Mu‘ammar, ‘Alī b. Yaḥyā, al-. 1421 AH. *Al-Ibāḍiyya bayn al-firaq al-Islāmiyya*. Oman: Ministry of National Heritage and Culture.
- Mullā Ḥuwaysh, ‘Abd al-Qādir. 1382 AH. *Bayān al-ma‘ānī*. Damascus: Matba‘at al-Taraqqi.
- Mullā Ḥuwaysh, ‘Abd al-Qādir. 1405 AH. *Bayān al-ma‘ānī*. Damascus: al-Nashr al-Islami.
- Muttaqī al-Hindī, ‘Alī b. Ḥisām al-Dīn, al. 1405 AH. *Kanz al-‘ummāl*. Beirut: Mu‘assasat al-Risala.
- Qummī, ‘Alī b. Ibrāhīm, al. 1404 AH. *Tafsīr al-Qummī*. Edited by Sayyid Tayyib Musawi Jazāiri. Qom: n.p.

بررسی تطبیقی تفسیر آیات اظهار دین و مهدویت از منظر شیعه و ابا ضیبه: (مطالعه موردی آیات توبه: ۳۲-۳۳، صف: ۸-۹) / ۳۹۱

- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn b. Muḥammad, al-. 1412 AH. *Al-Mufradāt fī gharīb al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-'Ilm, Dar al-Shamiyya.
- Sabzawārī al-Najafī, Muḥammad b. Ḥabīb Allāh, al-. 1406 AH. *Al-Jadīd fī tafsīr al-Qur'ān al-majīd*. Beirut: Dar al-Ta'aruf li-l-Matbu'at.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. 1419 AH. *Al-Balāgh fī tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān*. Qom: self-published.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī, al-. 1405 AH. *Kamāl al-dīn wa-tamām al-ni'ma*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Jami'a Mudarrisin.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī, al-. n.d. *Uyūn akhbār al-Riḍā*. Qom: Maktabat al-Mustafawi.
- Shawkānī, Muḥammad b. 'Alī. 1414 AH. *Fatḥ al-qadīr*. Beirut: Dar Ibn al-Kathīr.
- Shubbar, Sayyid 'Abd Allāh. 1412 AH. *Tafsīr al-Qur'ān al-karīm*. Beirut: Dar al-Bilāgha li-l-Tiba'a wa-l-Nashr.
- Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān, al-. 1408 AH. *Al-Ḥāwī li-l-fatāwā*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, al-. *Tārīkh al-Ṭabarī*. Beirut: A'lamī Publications.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan, al-. 1372 Sh. *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan, al-. 1417 AH. *I'lām al-warā bi-a'lām al-hudā*. Qom: Mu'asasa Al al-Bayt li-Ihyā al-Turath.
- Ṭālib Hāshim, Mahdī. 2001. *Al-Ḥarakat al-Ibāḍiyya fī mashriq al-'Arabī*. London: Dar al-Hikma.
- Tirmidhī, Muḥammad b. 'Īsā, al-. 1398 AH. *Al-Jāmi' al-ṣaḥīḥ*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn, al-. 1375 Sh. *Majma' al-baḥrayn*. Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan, al-. 1402 AH. *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-'Arabi.
- Ziaei, Ali Akbar. 1390 Sh. *Tārīkh wa-i'tiqādāt Ibāḍiyya*. Qom: Adyan.